

آگاهی حقوقی

ارگان نشراتی وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان

سال سیزدهم هم

شماره ۱۹۳

۳۱ - سرطان ۱۳۹۸

تفاوت تعزیر با حدود

● تتبع ونگارش: عبدالرحمن عظیمی

این یک حقیقت واضح و روشن است که نوع مجازات حد در شریعت مشخص شده است که در محدوده‌های معینی محدود است. از این رو، حاکم یهودی می‌تواند از حد مجازات با رفاقت نهد و یا کشته می‌شاید. اما مجازات تعزیری مانند حد مشخص نشده و به نظر و صلاحدید حاکم شرع واگذار گردیده است. پوست که باید تشخیص دهد چگونه مجازاتی ازدارنده و متناسب باجرم ارتکابی برای مرتکب تعیین نماید.

تغذیه از این که به اصل موضوع مورد نظر پرداخته شود لازم است بطور مختصر در مورد حدود و تعزیر معلومات ارایه گردد.

حدود جمع حد می باشد در حقیقت حد به چیزی گفته می شود که در میان دو چیز حایل واقع گردد، همچنان حد آن را گویند که چیزی را از چیز دیگر متمایز سازد با اعتبار همین معنی می گویند حدود خانه و حدود زمین .

[illegible]

حد در شریعت عبارت از عقوبت‌یست که بخاطر حق خدا مقرر شده است. اما تعزیز بدلیل عدم تقدیر مجازات از دایره حد خارج می شود. مسئولیت تعیین اندازه مجازات به رای قضات واگذار شده است.

تعزیر بمعنی مجازات که کمتر از حد باشد. و همچنین تعزیر بمعنی اهانت هم بکار می‌رود. طوری که می‌گویند فلان شخص را تعزیر کرد یعنی او را زجر و تادیب موجب گناهی که از وی صادر شده است اهانت نمود.

مقصود از تعزیر در شریعت اسلام تادیب مجرم
برگرفته‌ای است که نه حد دارد و نه کفاره بر آن
تعیین کرده است. قابل یادآوری است که کودکان
جزای افغانستان در فقره (۲) ماده ۶۴۳ در زمینه
نصریح نموده است:

(هرگاه در جرم زنا شرایط تطبیق جزای حد موجود نگردد یا به علت شبهه و یا یکی از سبب دیگر، حد زنا ساقط گردد، شخص تعزیراً مطابق احکام این قانون "تعزیراً مجازات می گردند").

حال که مرور مختصر بر حدود و تعزیرات نمودیم
میآئیم به اصل موضوع بحث که همانا تفاوت
بین حدود و تعزیر می باشد.

درمورد تعزیر و تفاوت آن باحدود باید چنین
ظواهر داشت که تعزیر یکی از جزایهای اصلی
در شریعت اسلام بوده نسبت به حدود و قصاص
و جزایهای اصلی است در شریعت اسلام فرق
مهم که حدود با تعزیر دارد این است که
حدود از جمله جزایهای اصلی در شریعت اسلام
بوده اما تعزیر جزای است که برمی گردد به
صلاحیت و صلاح دید حاکم (حاکم کسی است
که همه اوامر احکام اسلام را نافذ سازد و
حدود را برقرار کند و خودش به تعالیم اسلام
طوری مقید باشد که ذره ای انحراف از وی
نیده نشود) و فرق دیگر در میان حدود و تعزیر
این که حدود جزای تعیین شده است هیچ
کس آنرا که بزیاده کرده می تواند جزایهای
است که از جانب الله (ج) تعیین شده است .

ما تعزیر جزای معین نیست به صلاح دید حاکم می باشد. تفاوت های دیگری که در میان حدود و تعزیر وجود دارد از سه جهت می باشد یکی از جهت موضوع ، دوم از جهت نوع سوم از جهت مجازات . این تفاوت ها بصورت صریح در فقه و حقوق بیان گردیده است .

مجازات در اسلام بطور واضح شرح داده شده است الله (ج) بر رسول امین صلی الله علیه وسلم یک سلسله هدایاتی نازل فرموده تا برای هر مرتکب به هر یک از این جرائم، مجازات تعیین شده به جهت رسیدن به خیر و سعادت دنیوی و اخروی بیرونی نماید و بتواند رساتش را که خداوند برای او ویرا آفریده ادا کند ، چون نظام اسلامی بدان جهت به میان آمده که بعضا انسانها در مقابل شوشوت و خود پندشی از تسلیم می شوند و بر حقوق دیگران سرکشی و تجاوز میکنند

ادامه در صفحه ۲

● گزارشگر: بشیر احمد عزیز

اعضایی شبکه مساعدين حقوقی و وکلای مدافع افغانستان مورخ ۱۵ سرطان ۱۳۹۸ جلسه مشترک دادخواهی خویش را روی موضوعات ذیل با معاون صاحب دوم ریاست جمهوری اسلامی افغانستان برای رسیدگی به حل معضلات حقوقی دادخواهی استراتژیک طبق قوانین نافذه کشور مطرح نمود:

۱- چگونگی تاخیر در تصویب مقرره مساعدت های حقوقی، کمبود در تشکیل مساعدین حقوقی وزارت عدلیه، معطل قرارگرفتن پلان طبیبی ریاست مساعدت های حقوقی وزارت عدلیه بنابر علت عدم تصویب شدن مقررره مساعدت های حقوقی تا اکنون.

۲- معرفی شبکه مساعدين حقوقى و وكلاى مدافع افغانستان، فعاليت ها و دست آوردهاى آن.

۳- موضوعات دادخواهی استراتژیک جهت حل نمودن مشکلات و چالشهای وکلای مدافع و مساعدین حقوقی کشور در رابطه به:

الف: رهایی‌های قبل از محاکمه و قبول درخواستی‌های دادخواهی وکلای مدافع جهت رسیدگی به اهداف انکشاف سازمان ملل متحد توسط خازنوالی و محاکم.

ب: دسترسی وکلای مدافع و مساعدين
حقوقى کشور به نقل اوراق و اوراق دوسيه
در مرحله تحقيق.

ج: اشتراک وکلای مدافع و مساعدين حقوقی در تمامی مراحل تحقيق طبق قوانين نافذه کشور... وساير موارد مهم بحث گرديد. جناب معاون صاحب ضمن خوش آوريد از اعضائى شبكه درفدم نخست تشكيل شبكه و فعاليت هاى انرا مورد تقدير قرار داد و در رابطه به موضوعات فوق الذكر وعده همكارى سپرده و براى حل آن هدايت لازم سپردند.

معرفی کودکان جزء بخش جرایم و جزایا ها

فیض اللہ خواجہ آمانی

پول رایج، شبیه سازی بانک نوت ها، خارج ساختن اشیای مورد استفاده سکه زدن از ضراب خانه، مجازات اعلان، تجارت پول یا توکن های جعلی، جعل پول یا توکن با وجود عدم مشابهت، نشر غیر مجاز بانک نوت، سکه، اسناد و نشانه ها (توکن ها) و حالات مشدده در جرم جعل پول را تذکر داده است.

فصل پنجم باب اول کود مذکور قاچاق مواد مخدر، اصطلاحات، جرایم مواد مخدر و مواد روان گردان، مجازات کشت نباتات مؤلفه مواد مخدر و مواد روان گردان، مجازات قاچاق میروئین، مورفین و کوکائین، مجازات قاچاق اسیتیک، مجازات قاچاق تریاک، مجازات قاچاق چرس، مجازات قاچاق مواد مندرج جدول های مبارزه علیه مسکرات و مواد مخدر و کنترل، مجازات های مالک و رهن گیرنده، مصادره واسطه نقلیه، مجازات تهیه و اسایل یا تجهیزات مورد استفاده و مواد روان گردان، مجازات استخدام کننده جرم قاچاق مواد مخدر و مواد روان گردان، مجازات فروش و توزیع مواد مخدر و مواد روان گردان، به متادین، مجازات مقاومت مسلاحه، مجازات، ترکیب و مخلوط کنند مواد مخدر و مواد روان گردان، مجازات اجازه دهنده مصرف مواد مخدر و مواد روان گردان، مجازات تخلف اعضای کمیته تنظیم مواد مخدر، مجازات تجویز، فروش و اسامه غیر قانونی مواد مخدر و مواد روان گردان، موجودیت مواد مخدر نزد معتاد، مجازات سوق دادن به اعتیاد اجباری، مجازات تخلفات همکار مخفی، مجازات تخلفات در اجرای اقدامات کشفی مخفی، اقدامات غیر قانونی مخفی کشفی، و اجرائی در مورد مواد مخدر و مواد روان گردان ضبط شده را در فرجه مواد مخدر و مواد روان گردان را چنین تذکر داده است: " مواد مخدر و مواد روان گردان عبارت از مواد طبیعی و صنعتی است که در جدول شماره ۱-۴ منضمه قانون مبارزه علیه مسکرات و مواد مخدر و کنترل آن، تنظیم و تصنیف گردیده است. "

ادامه در صفحه ۳

فصل دوم باب اول کتاب دوم کود جز ۱، از تروریزم،
۱، اصطلاحات تروریزمی، جرایم تروریزمی، حمله
انترناری، جرایم استفاده از مواد منفجره یا وسایل
کشنده، جرایم علیه اشخاص، جرایم مرتبط به
مواد هسته‌یی، تخریب تاسیسات زیر بنایی، جرم
گروگان گیری، جرایم اشخاص دارای مصونیت بین
المللی، جرایم علیه مصونیت هوایی، تصرف یا تحت
کنترول قراردادن طیاره یا هلیکوپتر، کشتی یا محل
هدایت (سکوی ثابت)، جرایم علیه راکب امنیت
یا مؤظف تاسیسات ثابت، جرایم علیه مصونیت
کشتی یا تاسیسات ثابت دریایی یا بحری، تشکیل
سازمان تروریزمی، عضویت و همکاری با آن،
مجازات شریک، معاون، شروع کننده و اتفاق کننده
در جرایم تروریزمی را تذکر و مجازات شریک
معاون، شروع کننده و اتفاق کننده در جرایم فوق
الذکر را عین جزای فاعل جرم دانسته است.
فصل سوم باب اول کتاب دوم کود مذکور
تفویض حقیقی، جرم تفویض حقیقی، مجازات
شخص حقیقی، مجازات شخصی حکمی،
مجازات سازمان تروریزمی، ارایه اسناد
تروریزی، را درج و مجازات سازمان تروریزمی:
را در ماده (۲۸۲) چنین تذکر داده است:
"هرگاه جرم تفویض حقیقی توسط سازمان
تروریزمی یا شخصی حکمی ای که تحت ملک
یا کنترول سازمان تروریزمی قرار دارد، صورت
گیرد، مرتکب قرار ذیل، مجازات می گردد:
۱- عضو سازمان تروریزمی به جسی دوام درجه ۲
۲- مصادره ارایه سازمان تروریزمی و انحلال آن
فصل چهارم باب اول کتاب دوم کود جز ۱، از
جعل پول و مسکوکات، مجازات جعل پول، تحت
حیازت قراردادن پول جعلی، معامله با پول جعلی
بعد از انقبولی آن یا حسن نیت، ذوب سکه ها، به
جریان انداختن سکه یا مخلوطی از فلزات، توفه
های فلزی و توکن ها، از شکل انداختن یا معیوب
کردن سکه رایج طلا یا نقره، معیوب ساختن

"عملی که در نتیجه آن اراضی دولت جمهوری اسلامی افغانستان تماماً یا قسمیاً تحت حاکمیت دولت خارجی یا نیروی مسلح مخالف دولت جمهوری اسلامی افغانستان قرار گیرد یا استقلال کشور را به مخاطره اندازد، عملی که در نتیجه آن تمام یا قسمتی از اراضی تحت حاکمیت دولت جمهوری افغانستان از اراده آن خارج شود، تسلیمی، نیروهای تحت امر به دشمن، واگذاری تا سیسات، نیروی اسلحه و مهمات، وسایط نظامی، و خرابمواد ارتزاقی با استحکامات متعلق به نیروهای نظامی به دشمن منظور مساعدت آنها، یا فراهم سازی تسهیلات برای ورود دشمن به کشور، جمع آوری معلومات برای اسرار نظامی، دفاعی یا امنیتی، مکتور، منظور تسلیم دهنی آن به دولت خارجی، سازمان یا گروه ضد دولتی یا گماشتگان آنها، استخدام اشخاص، تهیه اموال یا تجهیزات نظامی برای دولت خارجی در حال جنگ یا دولت جمهوری اسلامی افغانستان یا نیروهای مسلح در حال جنگ یا منازعه مسلحانه با دولت جمهوری اسلامی افغانستان، قیام مسلحانه نیروهای نظامی علیه دولت جمهوری اسلامی افغانستان، سرقت، تلف یا تزیور اسناد حاوی اسرار نظامی، دفاعی یا امنیتی کشور، پوستن به اسرار مسلح، دولت خارجی یا گروه مسلح در حال جنگ یا منازعه مسلحانه با جمهوری اسلامی افغانستان، قیام مسلحانه یا نوطه علیه دولت جمهوری اسلامی افغانستان منظور گرفت قدرت دولتی اشغال اسرار نظامی، دفاعی یا امنیتی کشوربه اشخاص یا دولت خارجی یا شخصی که به نفع آنها کار می کند یا به گروه های مسلح مخالف دولت جمهوری افغانستان، عدم اطلاع از معلوماتی که هدف آن ارتکاب جرایم مندرج اجزای ۱ تا ۸ این ماده بوده و شخص به حکم قانون به کشف آن موظف ویا به نحوی دیگری به افشای آن مکلف باشد، به مراجع مسئول".

در کتاب اول کود جزاء، از اهداف و اصطلاحات اصول وقواعد عمومی، ساحت تطبیق قانون جزاء- از حیث مکان، زمان و اشخاص، مفهوم و انواع جرایم- از نظر شدت و خفیت مجازات، عقوم قانونی جرایم- شروع به جرم و حالات آن، فاعل، شریک و معاونان- جرم اتفاق در جرم، تعدد جرایم، تکرر در جرم- مسئولیت جزایی، موانع مسئولیت جزایی، اسباب اباحات، احکام عمومی جزاء، جزا های اصلی- جزا های تبعی، جزا های تکمیلی و انواع آن- تدابیر تأمین، تعیین جزاء و رعایت احوال مخفیه و مشدده را به بحث گرفتیم، اکنون محتویات کتاب دوم کود جزاء، را به معرفی می گیریم: کتاب دوم کود جزاء از جرایم و جزا های بحث نموده جرایم را طی ابواب و فصول جداگانه به بحث گرفته که بطور مختصر به معرفی گرفته خواهد شد. فصل اول باب اول کتاب دوم کود جزاء، جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، خیانت ملی، مجازات جرم خیانت ملی، جاسوسی، حالت مشدده جرم جاسوسی، غفلت یا بی احتیاطی مؤثر ظف خدمات عامه، تبلیغ یا توطئه، جرایم علیه روابط دیپلماتیک، تجاوز برقلمرو دولت خارجی- برقراری روابط تجارتی با دولت خارجی، در زمان جنگ، عدم ایفای تعهد در زمان جنگ، تخریب وسایط یا تأسیسات، اخذ پول یا منفعت، توافق در مذاکره به زیان افغانستان، تضعیف امنیت ملی و اعتبار مالی کشور، اقدامات و اعمال غیر میزبازمانیتی- پرواز در فضای کشور بدون اجازه (نقض حریم هوایی)، در تحریک به جرم داخلی، رهبری گروه مسلح منظور حسب یا غارت، تحریک به تبیض یا تفرقه، همکاری در ارتکاب جرم، اقدام به اشغال تا سیسات دولتی، اتلاف بنا ها و املاک، توهین به بیرق یا نشان دولتی، مداخله در سلطه عامه- دستور خشوند در جریان اجتماعات، اعتصابات و تظاهرات را تذکر داده در ماهه (۲۲۸) ارتکاب اعمال ذیل را خیانت ملی دانسته است:

تفاوت تعزیر با...

و مصالح جامعه را به مخاطره می اندازد لذا باید یک عامل باز دارنده ای وجود داشته باشد که او را نگذارد و از حق خود تجاوز وبه حق دیگران تجاوز کند و یگانه عامل باز دارند ه در زمینه مجازات می باشد.

حد و تعزیر از سه جهت اساسی با یکدیگر تفاوت دارند؛ موضوع، نوع عقوبت، مقدار و اندازه‌ی متناسب.

۱ - از جهت موضوع

۲ - از جهت نوع عقوبت

۳ - از جهت میزان مجازات

از جهت موضوع

در حدود شرعی، موضوع هر حدی و نوع جرم آن کاملاً مشخص شده تعریف شده و شرایط هر یک به تفصیل بیان شده است؛ به نحوی که با عدم تحقق هر یک از شرایط مقرر، حد اجرا نشده، مجازات مقرر احياناً به تعزیر مبدل می‌شود؛ مانند « سرقت » که تحت شرایط خاصی موضوع «قطع ید» قرار می‌گیرد، یا انواع زنا که هر یک با شرایطی خاص- حتی از نظر اثباتی- موضوع حد واقع می‌شود. در این موارد، انتخاب نوع مجازات (حد) در اختیار حاکم نیست؛ بلکه به موضوعی مشخص بستگی دارد که در شرع مقرر شده است که در همان چارچوب بیان شرعی باید اجرا شود. بنابراین، فقط تشخیص موضوع با حاکم است؛ اما در موضوع تعزیرات، هیچ گونه تحدید موضوعی مطرح نیست و فقط به بیان کلی فعل مجرمات اکتفا شده است. در نتیجه، سنجش جرم ارتكابی و تعیین نوع و مقدار مجازات متناسب، به نظر و صلاحید حاکم بستگی دارد.

از جهت نوع عقوبت

نوع عقوبت‌های حدی نیز در شریعت مشخص شده است که در محدوده‌های معینی محصور است. از این رو، حاکم نمی‌تواند از آن محدوده پا را فراتر نهد و یا کوتاهی نماید؛ اما مجازات‌های تعزیری هیچ گونه تعینی نداشت، به نظر و صلاحید حاکم واگذار شده است؛ اوست که باید تشخیص بدهد چگونه مجازاتی بازدارنده و متناسب با جرم ارتكابی می باشد.

از جهت میزان مجازات

کمیت مجازات تعزیری نیز به صلاحید و تشخیص حاکم بستگی دارد که بایستی متناسب با جرم ارتكابی باشد. همچنین در کم و کیف هر مجازاتی، حالمجرمین، از نظر توانایی وی نیز باید مراعات شود؛ اما در حدود چنین نیست. ناگفته نماند که خصوصیت موجود در تعزیرات ، ناشی از مساله عدم دخالت شرع در جزئیات امور می باشد

قانونگذار اسلامی ضوابط و اصول را بیان داشته و تنظیم جزئیات و فروع را به اولیای امور واگذار نموده است که در واقع این روش، مقتضای ابدی بودن شریعت اسلام است

عده دانشمندان تفاوت حد با تعزیر را در موارد آتی به شرح زیر بر می‌شمارد:

۱- تعزیر در ناحیه کمی اندازه‌ای ندارد؛ هر چند که در طرف زیادت (چنانچه تازیانه انتخاب شود) باید تعداد آن به اندازه ی حد نرسد.

۲- در تعزیر میان برده و آزاد فرق نیست؛ حال آنکه حد برزدگان نصف آزادگان است.

۳- تعزیر باید متناسب با اندازه جرم باشد؛ بر خلاف حد که در لزوم اجرای آن، تحقق موضوع و جرم کفایت می‌کند. از این رو در اجرای حد سرقت تفاوتی ندارد که شخص به میزان ۱/۴ دینار سرقت نماید یا چندین برابر این مقدار باشد، و یا در اجرای حد شرب خمر فرقی نمی‌کند که شخص یک قطره از آن را بیاشا مد یا بیشتر.

۴- تعزیر تابع مفسده است؛ گرچه معصیتی در میان نباشد؛ مانند تعزیر کودکان و مجانین به منظور اصلاح آنان.

۵- گناه صغیره تعزیر ندارد.

۶- اختیار نوع تعزیر وابسته به نظر حاکم است؛ در حالی که در حدود، حاکم (جز در حد محاربه) (البته ناگفته نماند که اولاً، مخیر بودن حاکم در حدمحاربه مورد اتفاق نظر نیست. ثانیاً، وی صرفاً بین چند حد تعیین شده در آیه شریفه مخیر است. بنابراین، در انتخاب مجازات فراتر از آنچه معین شده، اختیار تام نخواهد داشت) مخیر نیست.

۷- تعزیر بر حسب اختلاف حال مجرمین، متفاوت می‌شود.

۸- مجازات تعزیری بر حسب اختلاف عادات و رسوم متفاوت می‌شود.

۹- تعزیر گاهی حق الله است و گاهی حق الناس و زمانی هر دو؛ ولی حدود تماماً حق الله است؛ جز حد قذف که مورد اختلاف نظر است.

یک: مثلاً در باره‌ی حدود از پیغمبر اکرم حدیث داریم که:« حدود با وارد شدن شبهات زایل می شود) لذا قاضی نباید اصرار کند که حتماً جرم ثابت بشود، بلکه می‌تواند به حدیث حق کس دیگری حق اقامه آن را ندارد، تدرأ بالشبهات، البته به شرط اینکه حق دیگری ضایع نشود، ولی در تعزیر یک چنین قانونی ندارد.

دوم: در «حدود» قسم معتبر نیست.

سوم: عدم قبول کفالت، یعنی حد کفالت بر نمی‌دارد. چهارم: امام نمی‌تواند حد را عفو کند. اما می تواند تعذیر را عفو نماید.

پنجم: عدم الشفاعة فیه، پیغمبر اکرم فرمود: «لا شفاعة فی الحد»

تطبیق جزاء درجاری تعزیری:

تطبیق این عقوبات حق امام ویا نائب او می باشد، برای آنکه این عقوبات برای حفظ وحمایت جامعه مقررگردیده است، پس این مجازات حق جامعه بوده وتطبیق آن به عهده نائب جامعه می باشد. بنابراین هیچ کس دیگری حق اقامه آن را ندارد، اگرچه عقوبت تعیین شده تلف کننده هم باشد. زیرا تنفیذ عقوبات تعزیری حتمی نبوده وامام حق عفو وتخفیف آن را دارد. پس اگرکسی فردی را که درعقوبت تعزیری محکوم به قتل است، به قتل برساند، قاتل شمرده می شود ومطابق جرم قتل محاکمه ومجازات خواهد شد .

۱- قرآن کریم .

۲- کتاب حدود و تعزیرات • الحاج استاد محمد موسی" نهمت".

۳- کود جزای افغانستان.

برنامه آگاهی عامه در لیسه عالی نسوان ام البنین

● گزارشگر: بشیر احمد عزیز ی



خواستگاری

موافقت زن برای دبدن لازم نیست).

پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «هرگاه شخصی اراده خواستگاری از زنی نمود، می‌تواند او را ببیند و نگاهش کند، گرچه آن زن اطلاعی نداشته باشد. (جابر بن عبدالله در مورد زنش می‌گوید: در پشت دیوار خود را پنهان می‌کردم تا او را ببینم).

آنچه ملاحظه گردید، آدابی بود که دین مقدس اسلام برای ازدواج گرفته باشد و قصدش از نگاه کردن فقط تصمیم بر ازدواج باشد و در غیر این صورت (نگاه کردن به قصد لذت بردن) جایز نیست. چرا که از پیامبر روایت شده که فرمودند: «اگر خداوند در دل شخصی تمایل به خواستگاری زنی را پدید آورد، اشکالی ندارد که او را ببیند و نگاهش کند»

۲ . رعایت حدود و مواضع مباح در زمان خواستگاری: برای خواستگار جایز است تا شخص مورد نظر را ببیند البته این دیدن به اندازه باشد که بتواند از او معرفت حاصل نماید در متن حدیث پیامبر صلی الله علیه و سلم مطلقاً لفظ «أنظر إليها» آمده است بنا اختلاف جزئی در بین فقها وجود دارد که تا چه اندازه خواستگار از بدن مخاطوبه را دیده میتواند راجع ترین نظریه همان نظر کردن به دو دست، صورت و پا می باشد چون مظهر محاسن و زیباییهای ظاهری زن در صورت متجلی شده و دستها هم در حالت عادی، ظاهر هستند لذا خواستگار را مجاز نیست جز دست و صورت مخاطوبه‌اش، اعضای دیگرش را نگاه کند.

بنای دیدن خواستگار از خواستگاری شده را فرمایش حضرت پیامبر علیه سلام تشکیل میدهد که به مرد انصار فرمود: «برو او را نگاه کن چون در چشمان انصار مختصر عیونی است که بعد از نگاه کردن برایتان معلوم می‌شود.» دیگر اعضای بدن را باید زن ماهر و توانا ببیند تا اطمینان تام برای خواستگار حاصل شود و به سبب آن پایه های عقد مقدس مستحکم گردد همان طور که پیامبر صلی الله علیه و سلم برای دیدن زنی به ام‌سلمه وظیفه سپرد، تا «به ساق پاهایش نگاه کن و دهان و گردن و زیربغل او را بو کن» پس اگر نگاه دیگر اعضاء زن جائز می‌بود، خود رسول خدا این کار را انجام می‌داد در حالی که آن حضرت ام‌سلمه را فرستاد تا اعضای دیگرش را ببیند.

۳ . چندین بار دیدن: خواستگار می تواند دختر مورد نظر را چندین بار ببیند یعنی به قدر ضرورت تا شکل و قیافه‌اش بطور کامل در ذهنش مجسم شود. دلیل وارده برای جواز تکرار نگاه، لفظ «أنظر إليها» یعنی «نگاهش کن» می‌باشد که در حدیث به طور امر مطلق بیان شده و هیچ قیدی آن را مقید و محدود و منحصر نکرده و پیامبر فرموده یکبار یا دوبار نگاهش کن، بلکه فرموده نگاهش کن.

۴ . صحبت کردن با دختر مورد نظر: خواستگار می‌تواند با دختر مورد نظرش صحبت و گفتگو کند و در مجلس خواستگاری و یا هنگام دیدنش با وی صحبت نماید زیرا جمهور فقها، اتفاق‌نظر دارند که صدای زن عورت نیست زیرا پیامبر اکرم با زنان سخن می‌گفت و سخنانشان را نیز می‌شنید، همچنین اصحاب گرانقدر ایشان بعد از رحلت حضرت رسول در مورد احادیث و احکام شرعی پرس‌وجو می‌کردند و همسران پیامبر اکرم از پشت پرده به سؤالی‌پاشان پاسخ می‌دادند.

۵. مصافحه کردن: جواز ندارد که خواستگار با نامزدش مصافحه کند و با هم دست دهند، زیرا هنوز رابطه شرعی و قانونی ایجاد نگردیده است و پسر و دختر نسبت به هم نامحرم هستند. دست دادن زن و مرد یگانه در شریعت اسلام تحریم گردیده است. «امام بخاری» از حضرت عایشه(رض) روایت کرده که پیامبر(ص) هنگام بیعت گرفتن از زنان، دست هیچ زنی را لمس نکرده و بیعت‌شان با خاتمها فقط کلامی بود.»

۶ . مردی که تصمیم ازدواج با زنی را دارد، می‌تواند بدون اطلاع آن زن و خانواده‌اش او را ببیند (یعنی اجازه

باشد.» اما در صورت که شخص از حق خود تجاوز کند مکلف به بجران

آن است، طوریکه در ماده ۹ قانون مدنی می آید: « شخصی‌که از حق خود تجاوز نماید، ضمان بر او لازم می‌گردد.» بدین لحاظ یک سری آداب و شرایط وجود دارد که خاطب یا خواستگار باید آنرا رعایت نماید:

۱ . خواستگار باید عزم راسخ و اراده جدی و صادقانه بر ازدواج گرفته باشد و قصدش از نگاه کردن فقط تصمیم بر ازدواج باشد و در غیر این صورت (نگاه کردن به قصد لذت بردن) جایز نیست. چرا که از پیامبر روایت شده که فرمودند: «اگر خداوند در دل شخصی تمایل به خواستگاری زنی را پدید آورد، اشکالی ندارد که او را ببیند و نگاهش کند»

۲ . رعایت حدود و مواضع مباح در زمان خواستگاری: برای خواستگار جایز است تا شخص مورد نظر را ببیند البته این دیدن به اندازه باشد که بتواند از او معرفت حاصل نماید در متن حدیث پیامبر صلی الله علیه و سلم مطلقاً لفظ «أنظر إليها» آمده است بنا اختلاف جزئی در بین فقها وجود دارد که تا چه اندازه خواستگار از بدن مخاطوبه را دیده میتواند راجع ترین نظریه همان نظر کردن به دو دست، صورت و پا می باشد چون مظهر محاسن و زیباییهای ظاهری زن در صورت متجلی شده و دستها هم در حالت عادی، ظاهر هستند لذا خواستگار را مجاز نیست جز دست و صورت مخاطوبه‌اش، اعضای دیگرش را نگاه کند.

بنای دیدن خواستگار از خواستگاری شده را فرمایش حضرت پیامبر علیه سلام تشکیل میدهد که به مرد انصار فرمود: «برو او را نگاه کن چون در چشمان انصار مختصر عیونی است که بعد از نگاه کردن برایتان معلوم می‌شود.» دیگر اعضای بدن را باید زن ماهر و توانا ببیند تا اطمینان تام برای خواستگار حاصل شود و به سبب آن پایه های عقد مقدس مستحکم گردد همان طور که پیامبر صلی الله علیه و سلم برای دیدن زنی به ام‌سلمه وظیفه سپرد، تا «به ساق پاهایش نگاه کن و دهان و گردن و زیربغل او را بو کن» پس اگر نگاه دیگر اعضاء زن جائز می‌بود، خود رسول خدا این کار را انجام می‌داد در حالی که آن حضرت ام‌سلمه را فرستاد تا اعضای دیگرش را ببیند.

۳ . چندین بار دیدن: خواستگار می تواند دختر مورد نظر را چندین بار ببیند یعنی به قدر ضرورت تا شکل و قیافه‌اش بطور کامل در ذهنش مجسم شود. دلیل وارده برای جواز تکرار نگاه، لفظ «أنظر إليها» یعنی «نگاهش کن» می‌باشد که در حدیث به طور امر مطلق بیان شده و هیچ قیدی آن را مقید و محدود و منحصر نکرده و پیامبر فرموده یکبار یا دوبار نگاهش کن، بلکه فرموده نگاهش کن.

۴ . صحبت کردن با دختر مورد نظر: خواستگار می‌تواند با دختر مورد نظرش صحبت و گفتگو کند و در مجلس خواستگاری و یا هنگام دیدنش با وی صحبت نماید زیرا جمهور فقها، اتفاق‌نظر دارند که صدای زن عورت نیست زیرا پیامبر اکرم با زنان سخن می‌گفت و سخنانشان را نیز می‌شنید، همچنین اصحاب گرانقدر ایشان بعد از رحلت حضرت رسول در مورد احادیث و احکام شرعی پرس‌وجو می‌کردند و همسران پیامبر اکرم از پشت پرده به سؤالی‌پاشان پاسخ می‌دادند.

۵. مصافحه کردن: جواز ندارد که خواستگار با نامزدش مصافحه کند و با هم دست دهند، زیرا هنوز رابطه شرعی و قانونی ایجاد نگردیده است و پسر و دختر نسبت به هم نامحرم هستند. دست دادن زن و مرد یگانه در شریعت اسلام تحریم گردیده است. «امام بخاری» از حضرت عایشه(رض) روایت کرده که پیامبر(ص) هنگام بیعت گرفتن از زنان، دست هیچ زنی را لمس نکرده و بیعت‌شان با خاتمها فقط کلامی بود.»

۶ . مردی که تصمیم ازدواج با زنی را دارد، می‌تواند بدون اطلاع آن زن و خانواده‌اش او را ببیند (یعنی اجازه

۲ . ازدواج هاي فاميلى به ويژه در روستاها که خانواده ها در ارتباط نزديک تر و بيشتري هستند رايج است و ازدواج فرزندان عمه ها، عموها، ماماها و خاله ها مرسوم تر است در اين روش پسر و دختر چندان نقشی ندارد بلکه والدین به خواست خود و با ملاحظات که دارند خواستگاری کرده و عقد نکاح را منعقد میکنند.

۳ .روش ديگر طوری است که نخست مادر و يا يکي از زنان فاميل به ديدار خانواده ي دختر مي روند. وقتي موافقت خانوادهي دختر را حاصل کنند، خانودايي پسر براي خواستگاري دختر ميروند. معمولاً خواستگاري توسط ريش سفيد و يا بزرگ خانواده پدر يا مادر داماد انجام مي شد. در پايان خواستگاري، پدر دختر جهت فکر کردن و مشورت مهلت مي طلبد در اين زمان خانواده دختر فرصت فکر کردن مي خواهد و به شور مي نشنند و بعد جواب نهايي را مي دهد. اگر داماد مورد قبول واقع نشود، خانودايي دختر به بهانه اين که دختر را براي فاميل يا پسرعمو انتخاب کرده اند، جواب منفي مي دهند.

البته در گذشته ازدواج بيشتري اجباري و درون خانوادگي بود، ولي امروزه جوانان خود همسر اينده ي خود را انتخاب مي کنند و بعد خواستگاري انجام مي شود.

۴ .در برخي مناطق مادر و چند تن از خانم هاي خانواده ي داماد به ديدن دختر مي روند. اگر پسنديدند در جلسه بعد داماد را با خود مي برند. چنانچه داماد هم دختر را پسنديد، مادر او هديه اي را که به آن نشانه مي گويند، به خانواده ي دختر مي دهد. هرگاه داماد از طرف خانواده دختر پذيرفته نشد در چنين حالي خانواده دختر جهت جواب گويي به بهانه و چاره ميپيردانند و گاهي چنين ميگويند: اين دختر را در خوردي يعني زمان تولد يا وقت ناف برديدن با پسر کاکايش نامزد کرده ايم، با پدرش وعده کرده که عقد نکاح اين دختر را با پسر مامايش بسته کند ديگر نمي شود که رابطه قومي را بخاطر دادن اين دختر به شما خراب بسازيم در صورت که چنين نبودي هرگز از شما دريغ نمي شد.

موضوع ديگر اين است رابطه عشق ورزيدن پسر و ختر بيشتتر دروني بود و در ازدواج نقشي زيادي نداشت زیرا پدر و مادر انتخاب دختر را از صلاحيت خود دانسته و چنين ابراز ميکنند پسر ما به خوب و بد خویش نمی داند تا هنوز خام است بنا کسی را که ما انتخاب میکنیم عین صلاح و فلاح است. عاشقان میدانند و درد عشق، ازدواج عاشقانه کمتر اتفاق می افتاد عشق ها سوزان بوده و بیشتر از آغاز خفه می شود، کسي جرات نمي کند به صراحت بيان عشق کند. اظهار عشق تبديل به داستان هاي عاشقانه، دوبيتي، ترانه و گوشه نشینی مي شود.

روش ديگر طوری است که انتخاب همسر(دختر زیر چشم) کردن به عهده ي زنان بود. وقتي در محافل عروسي و خانوادگي دختري زیر چشم مي شود، به زودي مراسم خواستگاري صورت گرفته، روشهاي فوق که درگذشته ها بيشتتر مروج بوده و فعلاً هم در اطراف حاکم است با کمی تغييرات در محيط های شهر نشين و انکشاف يافته.

اما امروزه انتخاب پسر و دختر از ارکان مهم همسرگزيني است که آنان بايد خود شريك زندگي شان را انتخاب کنند. وقتي پسري شريك زندگي اش را انتخاب کرد، براي مراسم خواستگاري؛ مادر با مشورت پدر به خواستگاري دختر مي رود و چنانچه رضايت خانواده ي دختر را جلب کنند، پدر و مادر پسر با نزديکان و اقوام به خواستگاري جدي مي روند و به همراه خويش چادر، پيراهن، روسري، مقداري قند و انگشتتر مي برند.

نواقص و چالش که در روشهای کهن دیده میشود این است که به اراده و خواست فرزندان هیچ توجه صورت نمی گیرد در اغلب بدون مخالفت پسر، وارد مرحله ي خواستگاري مي شوند، پسرها کمتر مي توانند اعترافي به اين گزينه ها داشته باشند. دختران کمتر سهمي در انتخاب همسر دارند.

ادامه دارد

صاحب امتیاز: وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان

تحت نظر: هیئت تحریر

سر دبیر: دردانه فضاییلی

هیئت تحریر: عبدالرحمن عظیمی، فیض الله خواجه امانی، گلالی سنگرخیل عزیزی،

دوست محمد عارف، شفیق الله نبی زاده، محمد عارف صباح

دیزاینر: ضیاگل سادات - ۷۴۵۳۴۹۸۶ (+۹۳)، ziagulsadat123@gmail.com

گزارشگر: بشیر احمد عزیزی

آدرس: کابل وزارت عدلیه ریاست عمومی مساعدت های حقوقی

آدرس انترنتی: www.moj.gov.af پست الکترونیکی: agahi.hoqoqi@gmail.com

شماره تماس: ۲۷۵ ۰۴۲ ۷۵۲ (+۹۳) - ۳۳۸ ۰۳۴ ۷۰۰ (+۹۳)

اسباب کسب ملکیت

تتبع و نگارش: گلالی سنگرخیل عزیزی

ملکیت از ریشه"ملک"گرفته شده است که در لغت به معنای پادشاهی و فرمانروایی ، ثروت ،دارایی وهر آنچهیزی است که انسان مالک آن شده است که جمع آن ملک است.

ملکیت رافرهنگ عمید ذیلاً تعریف می نماید"ملکیت عبارت از حق است که به مقتضای آن شی تحت اراده وتسلط شخص قرار می گیرد وتنها مالک می تواند درحدود احکام قانون به استعمال، بهره برداری وهرنوع تصرف مالکانه در آن بپردازد.

همچنان ماده ۱۹۰۰ ق م ملکیت را ذیلا بیان میدارد"ملکیت حقی است که به مقتضای آن شی تحت اراده وتسلط شخص قرار می گیرد وتنها مالک می تواند در حدود احکام قانون به استعمال بهره برداری وهر نوع تصرف مالکانه در آن بپردازد " از تعریف فوق بر می آید که ملکیت حقی است که بر اساس آن شی تحت تسلط شخص قرار می گیرد وشخص می تواند در حدود احکام قانون آن را استعمال نماید و از آن بهره برداری کند و در آن تصرف مالکانه نماید. پس ملکیت دارای سه رکن است.

حق استعمال، حق بهره برداری (استغلال)وحق تصرف مالکانه؛ فرقی که میان استعمال وبهره برداری وجود دارد این است که با آنکه استعمال وبهره برداری هردو استعمال است اما هرگاه مالک ملکیت خویش را به نفع خویش استعمال نماید، آن را استعمال واگر ملک خویش را در برابر اجرت توسط غیر استعمال نماید، آن را بهره برداری واگر خود بدون اذن دیگری در ملکیت خویش تصرف نماید، آن را تصرف می گویند.

باید یاد آور گردید که مالک حقیقی همه مملوکات خداوند (ج) است وملکیت اشخاص ، مجازی وموقت است.بنابراین، انسانها در مدت حیات با توجه به نیازمندی های بشری موقتاً برخی اموال را تمّلك می نمایند، پس از وفات انسانها، ملکیت (در صورت استعمالی بودن) باقی می ماند واین روند ادامه دارد تا همه اشیاء بر می گردد به مالک حقیقی آنها که خداوند (ج)است.پس مالک بودن اشخاص عارضی است.بنابراین ، برای این که شخص بتواند مالک مال شود باید اموال را بر اساس اسباب ملکیت تمّلك نماید.

داشتن ملکیت واموال یکی از حقوق اساسی اتباع افغانستان است که در فصل دوم قانون اساسی تحت عنوان حقوق اساسی ووجایب اتباع آمده که ماده ۴۰ آن جهت حمایت از این حق چنین می نگارد:

(ملکیت از تعرض مصون است .

هیچ شخص از کسب ملکیت وتصرف از آن منع نمی شود، مگر در حدود احکام قانون.

ملکیت هیچ شخص ،بدون حکم قانون وفیصله محکمه با صلاحیت مصادره نمی شود.

استملاک ملکیت شخص، تنها به مقصد تامین منافع عامه، دربدل تعویض قبلی وعادلانه، به موجب قانون مجاز می باشد.

تفتیش واعلان دارایی شخص، تنها به حکم قانون صورت می گیرد).

فقه وقانون اسباب کسب ملکیت را به صورت واضح بیان نموده است که ما موضوع را از لحاظ قانون مدنی مورد بحث قرار داده درین قانون اسباب کسب ملکیت هفت مورد دانسته شده که عبارتند از:

۱-استیلاءویا تصاحب بر اشیای که دارای مالک خاص نباشد اعم از اینکه عقار باشد یا منقول.

۲-میراث که به سبب وفات مورث ملکیت از مورث به وارث انتقال می نماید.

۳- وصیت که به موجب آن موصی له بعد از موت موصی مالک موصی به می شود.

۴- اتصاق به عقار ومنقول که در حال حیات انسان ها واقع می گردد .

۵-عقد.

۶-شفعه.

۷-حیازت.

۱-تصاحب(استیلاء):

تصاحب یکی از اسباب کسب ملکیت است.تصاحب یعنی صاحب شدن وبدست آوردن شی بوده ولی ازنظر تعریف اصطلاحی عبارت است ازبدست آوردن مال مباح است که مالک نداشته باشد.

قانون مدنی درماده ۱۹۸۵ تصاحب را چنین تعریف کرده است:(شخصیکه مال منقول مباح را قبل ازدیگران بدست آرد، مالک آن شناخته می شود). همچنان ماده ۱۹۸۶ قانون مزبور مال مباح را ذیلانین می دارد: (هر گاه مالک مال منقول از ملکیت آن صرف نظر نماید، به مال مباح تبدیل می گردد.

● گزارشگر: بشیر احمد عزیزی

روزسه شنبه مورخ ۱۳۹۸/۴/۱۸ برنامه آگاهی عامه حقوقی توسط اعضای مبلغین ساحوی ریاست عمومی مساعدت های حقوقی وزارت عدلیه درلیسه عالی قلعه بهادرخان واقع ناحیه ششم شهر کابل اجرا گردید.این برنامه بالای دوصنف ۱۱ ودوصنف ۱۲ لیسه متذکره تطبیق گردید وروی موضوعات چون معرفی وزارت عدلیه وریاست عمومی مساعدت های حقوقی، حقوق فامیل، حقوق همسایه، قانون منع شکنجه، قانون اساسی ووجایب اتباع، وظایف محاکم، وظایف خازنوالی، وظایف وکیل مدافع یا مساعدحقوقی آگاهی داده شد.وهمچنان به تعداد ۶۰جلد کتاب مجموعه مقالات که حاوی موضوعات حقوقی میباشد ازطرف مدیریت تبلیغات ونشرات ریاست عمومی مساعدت های حقوقی به کتابخانه لیسه عالی قلعه بهادرخان تسلیم داده شد.



جرم قباح

● تتبع و نگارش: دردانه فضاییلی

اول مزاحمت راه عام:

دوم- ایجاد مزاحمت در اماکن عامه: ایجاد مزاحمت در مکانهای عمومی نیز از جمله مصادیق جرم قباح محسوب شده وقانونگذار برای مرتکبین آن مجازات تعیین نموده است چنانکه ماده ۹۰۴ کد جزا در این مورد ذیلا تصریح نموده است:

اشخاص ذیل، به جزای نقدی پنج هزار افغانی ، محکوم می گردند.

۱-شخصی که در راه یا میدانهای عام بدون احتیاط و بی پروایی توسط سواری حیوان یا دواندن آن یا به وسیله واسطه نقلیه ، سبب اذیت مردم گردد.

۲- شخصی که در بین غروب و طلوع افتاب در راه یا میدان های عام واسطه نقلیه را بدون روشن کردن چراغ هر دو طرف ، استفاده کرده یا آن را براند.

از ماده فوق استنباط می گردد که اماکن عمومی برای استفاده عموم تهیه دیده شده است نه برای یک فرد پس افرادیکه توسط دواندن هر وسیله ای اعم از حیوان و غیرحیوان باعث اذیت مردم شود و یا اینکه چراغ های واسطه نقلیه را در بین غروب و طلوع افتاب روشن نمایند تقریباً در تاریکی هوا با این عمل خویش موجب نگرانی مردم گردد مرتکب جرم قباح شده و به جزای نقدی مبلغ ۵۰۰۰ افغانی محکوم می شود.

۳- عدم ثبت هویت مسافرین در مهمان خانه یا هوتل:

در قسمت عدم نوشتن نام و هویت مسافرین که به هوتل یا مهمان خانه جهت بود و باش برای مدت کوتاه مراجعه می نمایند هوتل دار موظف است هویت کامل مهمانان را در کتابچه ویژه که به این منظور تدارک دیده شده است ثبت نماید .

ماده ۹۰۶ کد جزا در این باره چنین حکم نموده است:« شخصی که به ثبت هویت مسافر در هوتل، مهمان خانه، مسافر خانه یا اتاق های است هویت کامل مهمانان را در کتابچه ویژه که به منظور رهایش اشخاص تهیه شده است مکلف باشد هویت مشتریان را ثبت نه نماید یا در آن اهمال ورزد.

است:« شخصی که به ثبت هویت مسافر در هوتل، مهمان خانه، مسافر خانه یا اتاق های است هویت کامل مهمانان را در کتابچه ویژه که به منظور رهایش اشخاص تهیه شده است مکلف باشد هویت مشتریان را ثبت نه نماید یا در آن اهمال ورزد.

است:« شخصی که به ثبت هویت مسافر در هوتل، مهمان خانه، مسافر خانه یا اتاق های است هویت کامل مهمانان را در کتابچه ویژه که به منظور رهایش اشخاص تهیه شده است مکلف باشد هویت مشتریان را ثبت نه نماید یا در آن اهمال ورزد.

است:« شخصی که به ثبت هویت مسافر در هوتل، مهمان خانه، مسافر خانه یا اتاق های است هویت کامل مهمانان را در کتابچه ویژه که به منظور رهایش اشخاص تهیه شده است مکلف باشد هویت مشتریان را ثبت نه نماید یا در آن اهمال ورزد.

به نحوی که ارتکاب یا امتناع منجر به نتیجه جرمی گردیده ورابطه سببیت میان عمل و نتیجه موجود باشد.

عنصر معنوی جرم:

کد جزاء ماده ۳۸:

عنصر معنوی جرم عبارت است از قصد جرمی ، علم و آگاهی به جرم و نتیجه آن یا خطای جرمی.

پس گفته می توانیم هر جرمی که به وقوع می پیوندد این سه عنصر متذکره را با خود باید داشته باشد و همچنان قصد و اراده ارتکاب فعلی را که جرم را بوجود می آورد نیز دارا باشد در غیر آن جرم تحقق نمی یابد.

فراموش نباید کرد که شروع به جرم در ماده ۴۷ کد جزا ذیلا تصریح شده است:« شروع به جرم عبارت است از آغاز به اجرای عمل به قصد ارتکاب جنایت یا جنحه به نحوی که نظر به اسباب خارج از اراده فاعل آثار آن ، متوقف یا خنثی شده باشد.»

موضوع دیگری که قابل یاد آوری در این زمینه می باشد حالات مربوط به تفکر یا مجرد تصمیم به ارتکاب جرم ، شروع به جرم شناخته نمی شود.(ماده ۴۸ کد جزا) در رابطه به تهیه وسایل تجهیزاتی و انجام مقدمات برای اعمال عمل جرمی باید گفت که فراهم آوری وسایل و آلات یا مساعد ساختن زمینه به منظور ارتکاب جرم ، جرم شناخته نمی شود مگر در حالاتی که تهیه وسایل تجهیز اتی و انجام اعمال مقدماتی به ذات خود جرم شناخته شده باشد.(ماده ۴۹ کد جزاء)

اما در رابطه به شروع به جرم قباح باید متذکر شویم که شروع به قباح جرم نبوده مرتکب آن مجازات نمی گردد. (ماده ۵۵ کد جزاء)

در رابطه با نوعیت جرم باید متذکر شویم که جرایم یا عمدی است و یا بصورت غیر عمدی ارتکاب می یابد .اما در رابطه به جرایم عمدی ماده ۴۴ کد جزا چنین صراحت دارد:

(۱) جرم وقتی عمدی شناخته می شود که قصد جرمی نزد مرتکب آن محقق باشد.

نکاح زن اهل کتاب بالای زن مسلمان وعکس آن جوازدارد.

قانون مدنی: ماده ۹۳

ادامه در صفحه ۳

ادامه در صفحه ۳